عکس‌ها: میزان

در دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل دختربچه ۸ ماهه مطرح شد

پلیس راهور خودرو حامل بنیتا را دید و گزارش داد

شرق: دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل بنیتا، دختربچه هشت‌ماهه، روز گذشته در حالی برگزار شد که یکی از قضات تأکید کرد پلیس راهور خودرو سرقتی را دیده و گزارش کرده است.

در ابتدای جلسه رسیدگی، قاضی محمدی‌کشکولی، رئیس شعبه ۹، درباره متهم ردیف چهارم که به‌تازگی دستگیر شده است، گفت: این فرد که احمد نام دارد، به‌عنوان یکی از افراد در صحنه سرقت به اتفاق دو همدستش در محل ربایش و سرقت خودرو حضور داشته و به‌لحاظ اینکه هم‌زمان با این افراد دستگیر نشده بود، تحقیقات تکمیل نشده و پرونده در مرحله رسیدگی در دادسراست و در این مرحله چون هنوز موارد دادسرایی و کیفرخواست صادر نشده است، این فرد به‌عنوان مطلع در دادگاه حضور دارد.

سپس احمد در جایگاه حاضر شد و گفت: «احمد. د» مجرد، تحصیلات دیپلم، شغل؛ راننده، سابقه مواد مخدر دارم، به اتهام نگهداری و مصرف پنج گرم شیشه به پنج سال حبس محکوم شدم و به مواد مخدر اعتیاد ندارم.

وی درباره روز حادثه گفت: من با مهدی (متهم ردیف دوم) در زندان بودیم، زودتر از او آزاد شدم و او بعد از من آزاد شد. آن شب به من زنگ زد که من در خاوران بودم، با هم در میدان آقانور، ساعت پنج صبح قرار گذاشتیم. مهدی به من گفت که برای تهیه جنس پیش محمد برویم. در بین راه مهدی بهانه آورد که محمد جوابم را نمی‌دهد، آن روز ساعت ۹ صبح روز حادثه به آرایشگاه رفتم. هنگامی که خواستم از آرایشگاه خارج شوم، مهدی با من تماس گرفت و پیشم آمد و از من تقاضای سه هزارتومان پول کرد که آن پول را به پیک‌موتوری داد. تا مسیری او را به خانه رساندم. در بین راه مهدی با محمد صحبت کرد، از مهدی پرسیدم چه شده، گفت محمد ماشین روشن را دزدیده است. من بعد از آن اتفاق دیگر او را ندیدم و ۳۸ روز در کمپ بودم.

قاضی خطاب به متهم: حرف‌های شما با مهدی متناقض است.

متهم: من مهدی را در قیامدشت پیاده کردم و رفتم.

قاضی: شما شنیدید که بچه را دزدیده است، چرا به بچه کمک نکردید.

متهم: من ماشین را ندیدم، بچه را هم ندیدم. روحم خبر نداشت که این اتفاق افتاده است.

قاضی: گفتی اعتیاد به مواد مخدر نداری.

متهم: آن‌موقع داشتم، اما به‌خاطر قولی که به خانواده‌ام داده بودم به کمپ رفتم، دیروز به خواهرم زنگ زدم و گفتم که ترک کرده‌ام، خواهرم گفت مأمورها دنبالم هستند. من هم خودم را به مأموران معرفی کردم.

در ادامه رسیدگی، مطلع دیگری در جایگاه قرار گرفت و گفت: بنده از اینکه فرد متهم مرتکب سرقت خودرو شده است اصلا اطلاعی نداشتم، چون اگر به من می‌گفت من موضوع را سریعا به آگاهی اطلاع می‌دادم.

وی بیان کرد: من با متهم بنا به درخواست او با موتور وی به سمت یک حوضچه برای عکس‌گرفتن رفتیم و در این مدت او اصلا درباره سرقت خودرو به من حرفی نزد.

این مطلع در پاسخ به سؤال قاضی کشکولی مبنی‌بر اینکه شما در چه زمانی فهمیدید که متهمان مرتکب سرقت خودرو و کودک شده‌اند، گفت: دوشنبه‌شب، برادرم، مسعود، به من گفت که من فکر می‌کنم سرقتی که انجام شده مربوط به سرقت خودرو در مشیریه است که یک کودک هم در آن بوده؛ بنابراین پس از مطلع‌شدن، برادرم مسعود شماره خانواده متهم را پیدا کرده و با آنها تماس گرفت.

قاضی کشکولی در ادامه رسیدگی به این پرونده از سرهنگ فلاح خواست که به‌عنوان مطلع در جایگاه حاضر شده و به توضیح نحوه تعقیب متهمان بپردازد.

سرهنگ فلاح دراین‌باره گفت: در تاریخ ۹۶/۴/۲۹ به محض دریافت اخبار، موضوع در دستور کار قرار گرفت و بلافاصله تیم حادثه به محل سرقت اعزام شدند.

وی افزود: با توجه به اینکه موضوع پرونده از حساسیت برخوردار بود، از تمام امکانات برای شناسایی و دستگیری سارقان استفاده کردیم.

سرهنگ فلاح بیان کرد: با توجه به اینکه در مسیر سرقت یک دوربین وجود داشت که البته کیفیت مطلوب را نداشت، اما با بررسی فیلم آن هویت متهم برای ما احراز شد که باعث شد ما بتوانیم برای دستگیری وی اقدام کنیم.

این مطلع درباره پارک خودرو در کنار جاده عنوان کرد: پس از اینکه خودرو رهاشده در کنار جاده شناسایی شد، بلافاصله به این محل اعزام شدیم و در آنجا خودرو را در زیر یک درخت که در کنار یک ساختمان بود مشاهده کردیم، متأسفانه درهای ماشین کاملا بسته و شیشه‌های آن بالا بود.

سرهنگ فلاح در پاسخ به قاضی مستشار دادگاه مبنی‌بر اینکه در گزارشات آمده است که یک مأمور راهور خودرو سرقتی را در زمان تردد مشاهده کرده است. چرا در این خصوص اقدامی نشده بود؟ گفت: بله، بنابر گزارشات، یک مأمور راهور خودرو را در مسیر مشاهده می‌کند و موضوع را گزارش می‌دهد. البته این مشاهده ۱۰ دقیقه قبل از اعلام پلیس مبنی‌بر سرقت خودرو بوده است، اما مأمور راهور خودرو را تعقیب کرده که به‌خاطر اینکه خودرو سرقتی نسبت به تغییر پلیس حساس نشود با کمی فاصله از آن حرکت می‌کرده است، اما خودرو متهم در دوراهی قیامدشت به سمت تهران بازمی‌گردد.

قاضی مستشار دادگاه از سرهنگ فلاح به‌عنوان مطلع پرسید: باتوجه به اینکه این خودرو مدت طولانی در کنار جاده پارک بوده، چرا گشت به محل برای شناسایی آن اعزام نشده است؟

سرهنگ فلاح گفت: با توجه به حساسیت پرونده، ما همه توان و نیروهای خود را برای شناسایی خودرو به کار بستیم، اما درباره پارک این خودرو در کنار جاده، باید گفت: متأسفانه محل پارک خودرو محل پرتردد و شلوغی نیست و اگر خودرویی از آنجا عبور کند همه سرعت بالا دارند و احتمال اینکه کسی نسبت به خودرو مشکوک شده یا بتواند کودک را در آن مشاهده کند، کم است. حتی اگر فرد پیاده‌ای از کنار خودرو هم عبور می‌کرد، با توجه به کثیف‌بودن خودرو احتمال اینکه نسبت به وجود کودک در خودرو حساس می‌شد، کم است.

شهریاری، رئیس دادسرای جنایی تهران: از این تریبون به خانواده‌ها اعلام کنم که بیش از گذشته نسبت به موارد پیشگیرانه حساس بوده و موضوعات پیشگیرانه را رعایت کنند. براساس گزارش پزشکی قانونی گرمازدگی و عوارض ناشی از آن علت فوت کودک بوده است

در ادامه، وکیل متهم ردیف اول ضمن عرض تسلیت به خانواده اولیای دم اظهار کرد: این حادثه احساسات کل جامعه را جریحه‌دار کرده است. جرائم ناشی از مواد مخدر و مواد روان‌گردان است که باید جامعه فکر اساسی برای آنها کند. لایحه دفاعیه را به دادگاه تقدیم و شفاهی نکاتی را بیان می‌کنم.

وی درباره اتهام قتل عمدی موکلش که در کیفرخواست مطرح شده است، گفت: به استناد بند پ ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری در موضوع قتل عمد، موکلم صرفا قصدش سرقت بوده است. بنابر اظهارات او محل پارک ماشین جای پرترددی بوده و متهم فرض را بر این گذاشته است که در آن حوالی خودرو کشف می‌شود و بچه به آغوش خانواده بازمی‌گردد که متأسفانه این قصد منجر به قتل کودک می‌شود.

در ادامه رسیدگی به این پرونده قاضی محمدی‌کشکولی درباره متهم احسان. ح بیان کرد: این فرد کسی است که محمد پس از اینکه خودرو را با طفل رها می‌کند، او را با پراید سفیدرنگ که متعلق به پدرش است، با کیسه پلاستیک سفید رنگ سوار خودرو کرده و به منزل منتقل می‌کند. پرونده این فرد به اتهام خریدوفروش مواد مخدر، تحصیل مال مسروقه در دادگاه کیفری دو انقلاب در حال رسیدگی است و درحال‌حاضر این فرد به‌عنوان مطلع در جایگاه حاضر می‌شود.

متهم درباره روز حادثه گفت: محمد دوستم است، تماسی گرفت و گفت بیا دنبالم. به سمت استخر رفتم و با او تماس گرفتم، هنگامی‌که خیابان استخر را دور زدم، از شیشه ماشین برای من دست تکان داد، ۱۵ متر جلوتر رفتم و توقف کردم. محمد با کیسه سفیدرنگی داخل خودرو شد.

قاضی: داخل کیسه سفید چه بود؟

یک کارت هدیه پلمب‌شده و یک تی‌شرت سفیدرنگ داخل کیسه بود.

احسان گفت: در آگاهی متوجه شدم که بچه داخل خودرو بوده است. ما آن روز با هم به منزلمان رفتیم و من کارت را از مغازه‌دار به مبلغ ۹۸هزارو ۸۰۰ تومان خالی کردم و یک گرم شیشه به محمد دادم و با هم مواد مصرف کردیم.

قاضی: محمد شب را در منزل شما بود؟

متهم: خیر تا غروب آنجا بود.

قاضی: چه زمانی متوجه دستگیری محمد شدید؟

متهم: از سوی زن صیغه‌ای ایشان متوجه شدم که گیر افتاده است. در این مدت با او تماس نداشتم و از سرقت خودرو و بچه بی‌اطلاع بودم.

در ادامه این دادگاه وکیل متهم ردیف دوم در دفاع از موکل خود گفت: پس از صدور قرار نهایی از سوی بازپرس درباره اتهام موکل من قرار منع تعقیب مبنی بر قتل عمد صادر شده است؛ همچنین درباره معاونت در سرقت از سوی موکل من باید گفت موکل من در این سرقت دارای وحدت قصد نبوده و به نوعی در عمل انجام‌شده قرار گرفته است.

در ادامه یک بار دیگر وکیل متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از موکلش گفت: سابقه سرقت، مصرف مواد مخدر، ترس از دستگیری و... همه عواملی بودند که باعث شد موکل من کودک را به نیروی انتظامی تحول ندهد؛ البته وی تمام سعی خود را کرده بود که خودرو را در جایی قرار دهد که قابل مشاهده و شناسایی باشد. در این راستا متهم خودرو را در جایی پارک کرده است که محل تردد و رفت‌وآمد و محل برگزاری پنجشنبه‌بازار بوده است. محل پارک خودرو بین دو استخر واقع شده و محلی برای فروش لباس و میوه بوده است.

وکیل متهم ادامه داد: براساس گزارشات خودرو زیر سایه بدون بنزین و با دریچه باز کولر بوده است. اینها نشان می‌دهد وی قصد داشته است که جان کودک به خطر نیفتد و کوچک‌ترین احتمالی مبنی بر وقوع این حادثه نمی‌داده است.

پس از دفاع وکیل متهم ردیف اول، قاضی شهریاری نماینده دادستان گفت: همان‌گونه که در کیفرخواست، آمده است اشد مجازات را برای متهمان درخواست کرده‌ایم.

وی افزود: البته در اینجا باید موضوع پیشگیری‌های رشدمدار را در نظر گرفت. چرا دراین‌باره هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی‌ای صورت نمی‌گیرد. چرا به موضوعات پیشگیری رشدمدار توجه نمی‌شود. لازم است از این تریبون به خانواده‌ها اعلام کنم که بیش از گذشته نسبت به موارد پیشگیرانه حساس بوده و موضوعات پیشگیرانه را رعایت کنند.

قاضی شهریاری در پاسخ به ایراد وارده مبنی‌بر اینکه چرا متهم با اینکه سابقه سرقت دارد اما حین وقوع سرقت آزاد بوده است، گفت: آخرین سابقه سرقت متهم مربوط به سال ۹۵ است که وی به مدت ۱۴ ماه در بازداشت بوده که بیشتر از مهلت قانونی بوده است و نهایتا با یک وثیقه ۲۰۰میلیون‌تومانی آزاد می‌شود. بنابراین اگر دراین‌باره اعتراضی است باید به قانون باشد و نه به مجری قانون.

وی در ادامه گفت: براساس قانون هرکس قصد ارتکاب جرم را داشته باشد و شروع به جرم کند، باید متناسب با آن مجازات شود. متهم در اظهارات خود گفته است که من به قصد سرقت خودرو وارد خودرو شده‌ام اما باید گفت این متهم صرفا یک سرقت ساده را انجام نداده بلکه سرقت مقرون به آزار را مرتکب شده است؛ چون پدر مقتوله برای خودداری از سرقت خود را به جلوی ماشین می‌اندازد اما متهم با دنده‌عقب‌گرفتن و انجام حرکات مارپیچ به وی آسیب رسانده و از محل متواری می‌شود.

قاضی شهریاری ادامه داد: براساس گزارش پزشکی قانونی گرمازدگی و عوارض ناشی از آن علت فوت کودک بوده است و عنصر مادی جرم زمانی اتفاق می‌افتد که متهم خودرو را در کنار خیابان رها کرده است.

وی درباره امضاشدن قرار منع تعقیب از سوی اولیای دم گفت: بازپرس قرار منع تعقیب را برای اولیای دم ابلاغ کرده است و آنها آن را امضا کرده‌اند.

قاضی شهریاری درباره نحوه دستگیری احمد، گفت: حکم دستگیری این فرد از قبل صادر شده بود و حکم دستگیری وی مربوط به روز دوشنبه نبوده است. این فرد درحال‌حاضر به‌عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده و پرونده اتهامی وی درحال‌حاضر در دادسرا مفتوح است.

نماینده دادستان در پایان اشد مجازات را برای متهمان همراه با مجازات تکمیلی درخواست کرد.

در ادامه جلسه، متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد و آخرین دفاعیات خود را اعلام کرد.

وی گفت: قصد سرقت خودرو را نداشتم مهدی از من خواست سوار خودروی روشن شوم. سه تا ماشین دارم خودم وسیله دارم، چه لزومی دارد که سرقت کنم.

وی افزود: قتل را قبول ندارم قصدم قتل نبوده است و همچنین قصد سرقت هم نداشته‌ام.

در ادامه رسیدگی به این جلسه، متهم ردیف دوم به ارائه آخرین دفاعیات خود پرداخت.

«مهدی.ش» گفت: زمانی که متوجه شدم به محمد گفتم بچه را تحویل بدهد. من بیشتر از این بلد نبودم که کمک کنم. در تابستان در گرمای تابستان یخ کرده بودم می‌خواستم به خانواده بچه کمک کنم.

او خطاب به خانواده بنیتا گفت: حداقل قاتل بچه را به شما تحول دادم من بیشتر از این نتوانستم کمک کنم.

قاضی خطاب به متهم گفت: آیا صحبت‌های طالب و «مسعود. ن» و اظهارات «احسان. ح» را که درباره شما گفتند، قبول دارید؟

وی گفت: من بیشتر از این نتوانستم کمک کنم. در قیامدشت به محمد زنگ زدم گفتم من با تو دیگر کاری ندارم و مواد هم نمی‌خواهم با آژانس و تاکسی هر طوری که شده است بچه را به خانواده‌اش برسان.

وی در آخرین دفاعیات خود مطرح کرد: از خداوند می‌خواهم که این خانواده به حقش برسد، دوستانم پشتم را خالی کرده‌اند.

قاضی رسیدگی به پرونده، ختم رسیدگی به دادگاه را اعلام کرد و گفت: یکشنبه هفته آینده پس از شور با همکاران رأی صادر خواهد شد.

حاشیه دادگاه

- کوشا، وکیل اولیای‌دم، به حرف‌های شهریاری درباره اینکه والدین باید نسبت به فرزندانشان توجه بیشتری بکنند اعتراض کرد و گفت: شما باید درباره کیفرخواست اظهارنظر کنید و نباید والدین را مقصر جلوه دهید. با اعتراضات کوشا، قاضی کشکولی، وکیل اولیای‌دم را به آرامش دعوت کرد. با آرام‌شدن وکیل اولیای‌دم، مادربزرگ بنیتا (مادر پدرش) از جایش بلند شد و نسبت به گفته‌های شهریاری اعتراض کرد. با ناآرام‌شدن جو دادگاه، قاضی از مأموران زن خواست مادربزرگ بنیتا را به بیرون از سالن راهنمایی کنند که او حاضر به خروج از سالن نشد.
- یکی از نزدیکان متهم چهارم درحالی‌که گریه می‌کرد، به خبرنگار «شرق» گفت: احمد خودش به اداره پلیس رفت و خودش را معرفی کرد. او در هنگام سرقت خودرو در صحنه حضور نداشته و هرگز بنیتای هشت‌ماهه را ندیده است. حالا نمی‌دانم چه اتفاقی برای احمد خواهد افتاد. او بی‌گناه است و اطلاعی از سرقت خودرو و بنیتا نداشت.
- غلامحسین اسماعیلی رئیس دادگستری و محسن افتخاری رئیس دادگاه کیفری در جلسه محاکمه حضور داشتند.

خواننده رپ، باز هم قتل ناپدری‌اش را رد کرد

شرق: حمید صفت، خواننده رپی که متهم به قتل ناپدری خود است، بار دیگر با رد اتهام‌های وارده، فرضیاتی را از نحوه و دلیل مرگ پدرخوانده‌اش بیان کرد.

این خواننده رپ روز گذشته برای ادامه تحقیقات و پیگیری مراحل قانونی، از زندان رجایی‌شهر به دادسرای جنایی تهران منتقل شده بود. در این جلسه نیز گفته‌های خود را تکرار کرد و گفت من ضربه‌ای به سر هوشنگ نزدم، فقط دو ضربه به صورت او زدم که یکی از آنها به ابروی او خورد و ضربه دیگر به گونه‌اش خورد. هرچه فکر می‌کنم من ضربه دیگری نزده‌ام و در جریان درگیری فقط ضربه به صورتش زدم که مرگ‌بار نبود. در جلسه تحقیق، گزارش پزشکی‌قانونی درباره علت مرگ مرد میان‌سال به متهم اعلام شد.

حمید در این جلسه پس از رد اتهام قتل گفت: من و هوشنگ رابطه خوبی داشتیم و آن روز هم برای درگیری آنجا نرفته بودم، پس از درگیری من و مادرم وسایلش را جمع کردیم و آنجا را ترک کردیم. زمانی که ما آنجا بودیم حالش خوب بود و با همسایه‌ها و یکی از دوستانش صحبت می‌کرد. وقتی هم که ما آنجا را ترک کردیم حالش خوب بود. ممکن است پس از رفتن همه، هوشنگ تنها شده و آن‌موقع حالش بد شده باشد و زمین خورده باشد و بر اثر خون‌ریزی مغزی اتفاق افتاده باشد، همچنین من می‌دانم که بعد از رفتن ما، یکی از دوستان هوشنگ که با هم اختلاف‌حساب هم دارند، پیش او رفته است و بعید نیست که او این بلا را سر هوشنگ آورده باشد. وی در مورد اینکه چرا ناپدری‌اش در بیمارستان گفته است حمید این بلا را سر من آورده نیز گفت: فکر می‌کنم هوشنگ فکر نمی‌کرده کار به اینجا بکشد و شاید با تصور اینکه تلافی کند، چنین حرفی زده است. به‌هرحال آن روز ما با هم درگیری‌ای داشتیم که من و شاید او هم هیچ‌وقت انتظار آن را نداشته است.

حمید، خواننده رپ، ۲۸ مردادماه، به اتهام قتل عمدی پدرخوانده‌اش بازداشت شد.